



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

جایگاه فرهنگ نویسی در کشور

دکتر صفرزاده پژوهشگر و فرهنگ نویس موسسه دهخدا



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: بابک جوادی



□ چکیده:

یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی فرهنگی نوپسی است. فرهنگ کتابی است که در آن مجموعه‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات با نظم و ترتیب خاصی همراه توضیحات و اطلاعاتی آمده‌است. فرهنگ‌ها انواعی دارند و آشناترین و رایج‌ترین آن‌ها فرهنگ‌های عمومی‌اند؛ یعنی فرهنگ‌هایی که به توصیف و تحلیل واژه‌ها و اصطلاحات متداول در میان عموم زبان‌وران می‌پردازند. رسالت ما فارسی‌زبانان حفظ و گسترش زبان فارسی، این میراث گران‌قدر نیاکانمان، است. زبان و اندیشه دو روی یک سکه‌اند؛ اگر زبان به فساد بگراید، اندیشه نیز فاسد می‌شود، و برعکس. ما موظف‌ایم از زبانمان پاس‌داری کنیم؛ آن را درست بیاموزیم و درست به کار ببریم و درست به فرزندانمان منتقل کنیم. قصور و کوتاهی و بی‌تفاوتی در این باره هیچ توجیهی ندارد و تک‌تک ما مسئول عواقب آن خواهیم بود. بی‌گمان فرهنگ‌های فارسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای ما برای ادای این رسالت‌اند.

□ مقدمه :

عموم مردم زبان را به‌طور طبیعی و ناخودآگاه و برای رفع نیازهای روزمره خود به کار می‌برند. آن‌ها به ماهیت زبان نمی‌اندیشند و آن را فقط ابزاری برای رسیدن به اهداف خود می‌دانند. اما در این میان، شمار بسیار اندکی از مردم نیز هستند که دربارهٔ چند و چون زبان کنج‌کاوند و پژوهش می‌کنند. این گروه زبان‌شناس نام دارند. زبان‌شناسان می‌کوشند زبان را آن‌گونه که هست ببینند و بکاوند، نه آن‌گونه که باید باشد. در واقع زبان‌شناسان مانند پژوهش‌گران علوم تجربی به مشاهده و توصیف عینی و واقع‌بینانه موضوع کار خود می‌پردازند.

یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی فرهنگ‌نویسی است. فرهنگ کتابی است که در آن مجموعه‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات با نظم و ترتیب خاصی همراه توضیحات و اطلاعاتی آمده‌است. فرهنگ‌ها انواعی دارند و آشناترین و رایج‌ترین آن‌ها فرهنگ‌های عمومی‌اند؛ یعنی فرهنگ‌هایی که به توصیف و تحلیل واژه‌ها و اصطلاحات متداول در میان عموم زبان‌وران می‌پردازند.

آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید که فرهنگ‌ها به چه دردی می‌خورند؟ مردم زبان را به‌طور طبیعی به کار می‌برند و منظور یک‌دیگر را می‌فهمند. پس دیگر چه نیازی به فرهنگ هست؟

در پاسخ به این پرسش اساسی می‌توان گفت که گرچه هر زبان‌وری ابزار بسیار ارزش‌مندی به نام شمّ زبانی دارد، گه‌گاه با پرسشی زبانی روبه‌رو می‌شود که خود نمی‌تواند پاسخش را بیابد. مثلاً ممکن است کسی شک کند که املای «اصطکاک» صحیح است یا «اصطحکاک»؛ یا شک کند که واژه «ملت» با فعل مفرد به کار می‌رود یا فعل جمع، و ده‌ها پرسش دیگر. در چنین مواقعی فرهنگ اساسی‌ترین و مطمئن‌ترین مرجع است، زیرا به دست کسانی تألیف شده که آشنایی عمیق و تسلط بسیاری بر زبان و ویژگی‌هایش دارند و قادر به تجزیه و تحلیل و توصیف آن هستند.

فرهنگ‌ها املا، تلفظ، معنی، کاربرد، و نقش دستوری واژه‌ها و اصطلاحات را ثبت می‌کنند و با این کار مانع از انحراف و فساد زبان می‌شوند. هرچه مراجعه مردم به فرهنگ‌ها بیش‌تر باشد، احتمال انحراف و فساد زبان کم‌تر می‌شود. متأسفانه در کشور ما به علت غلبه و سیطره فرهنگ شفاهی، مراجعه به فرهنگ‌ها چندان رایج نیست. مردم ما ترجیح می‌دهند پرسش‌های خود را از فردی که به او اعتماد دارند بپرسند، نه از فرهنگ‌های معتبر. یک دسته از کسانی که به شدت به فرهنگ نیاز دارند، فارسی‌آموزان هستند؛ یعنی خارجیانی که زبان فارسی می‌آموزند. این افراد چون دانش و تجربه و شمّ زبانی ما فارسی‌زبانان را ندارند، ناگزیر از مراجعه مکرر به فرهنگ‌ها هستند. برای این اشخاص کتاب‌های آموزشی و فرهنگ‌های زبان‌آموز مخصوصی تألیف شده‌است. ایران چند مرکز برای آموزش فارسی به خارجی‌ان وجود دارد که مشهورترین و پرسابقه‌ترینشان مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی، وابسته به دانشگاه تهران، واقع در باغ فردوس تهران است. در طول بیست و چند سال گذشته، هزاران فارسی‌آموز خارجی در این مرکز آموزش دیده‌اند. زبان فارسی رکن هویت ملی ما ایرانیان است. این مسئله آن‌قدر مهم است که اصل پانزدهم قانون اساسی کشورمان به آن اختصاص یافته‌است.

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی، و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

رسالت ما فارسی‌زبانان حفظ و گسترش زبان فارسی، این میراث گران‌قدر نیاکانمان، است. زبان و اندیشه دو روی یک سکه‌اند؛ اگر زبان به فساد بگراید، اندیشه نیز فاسد می‌شود، و برعکس. ما موظفیم از زبانمان پاس‌داری کنیم؛ آن را در ست بیاموزیم و در ست به کار ببریم و در ست به فرزندانمان منتقل کنیم. قصور و کوتاهی و بی‌تفاوتی در این باره هیچ توجیهی ندارد و تک‌تک ما مسئول عواقب آن خواهیم بود. بی‌گمان فرهنگ‌های فارسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای ما برای ادای این رسالت‌اند

□ جایگاه فرهنگ نویسی :

فرهنگ نویسی کار سختی است که نویسنده باید در زمینه‌های مختلف به کند و کاو بپردازد و گزینه‌های با ارزش را از میان انبوهی از واژگان برگزیند و در اختیار بگذارد. در عین حال فرهنگ نویسی می‌داند که باید گنجینه‌اش را با صرف لحظه لحظه زندگی‌اش فراهم آورد. فرهنگ نویسی مانند ساختن پل است که در راه دیگران می‌گذارد، اما مردم وقتی از روی آن رد می‌شوند حتی توجه نمی‌کنند که چه مشقتی برای آنها هموار شده است. فرهنگ نویسی با این هدف بزرگ روز و شب را به هم می‌دوزد که فرهنگ و آداب و رسوم و اندیشه‌ها و باورهای یک ملت را زنده نگهدارد، و از هویت ملی پاس‌داری کند. کسانی مانند دهخدا و سعید نفیسی و دکتر معین (از فرهنگ‌نویسان فارسی) و شادروان سلیمان حیییم، دکتر محمد رضا باطنی، دکتر علی محمد حق شناس، دکتر آریانپور (از پیشگامان و متاخرین فرهنگ‌نویسی انگلیسی) و گردآورندگان فرهنگ‌ها در حوزه‌های گوناگون از جمله در ادبیات، زیست‌شناسی، صنعت، علوم و فنون مختلف همچون شعرا، ادیبان و نویسندگان لحظه‌های ارزشمند خود را صرف این کرده‌اند که هویت پیش‌شده ما را پایدار نگهدارند و با روزآمدسازی آن گنجینه‌ای فراهم کنند که زبان فارسی بتواند با دنیای تندرناز امروز همپایی کند. متأسفانه این کار خطیر چندان مورد تحسین و حمایت قرار نگرفته و نویسندگان فرهنگ‌ها به تأثیر از علاقه و شور خود به این کار همت گمارده‌اند. فرهنگ نویسی اگر قرار است با بنیه و دامنه پر سود و قوی انجام شود نیازمند حمایت‌های بیشتری است.

□ اهمیت و ضرورت فرهنگ نویسی :

در دوران معاصر دیگر "فرهنگ" تنها مجموعه‌ای از لغات گردآوری و مرتب شده نیست، بلکه جُنگی است از هزاران نکته آشکار و نهان در مورد معانی، ساخت و کاربرد واژگان زبان، و معرفی آنها از جنبه‌های مختلف و به شیوه‌ای که در جامعه و در موقعیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی، و ادبی به کار می‌رود. استفاده از فرهنگ لغات امروز تنها برای معنی‌شناسی کار نمی‌رود، بلکه برای شناخت منظوری که سخن‌گویان یک زبان از به‌کارگیری واژه‌ای در متن یا گفتار دارند، نیز به کار می‌رود. بنابراین، برای فرهنگ‌نویس کافی نیست در زمینه ادبیات، زبان‌شناسی، و فلسفه کارشناس باشد، بلکه باید با اصول و شیوه‌های علمی فرهنگ‌نویسی نیز آشنایی کافی داشته باشد. هدف فرهنگ‌نویسی تدوین فرهنگ یا واژه‌نامه است که در آن واحد، موضوع فرهنگ‌نگاری نظری و کار عملی فرهنگ‌نگاری است. عوامل متعددی در ضرورت نگارش انواع فرهنگ‌ها مؤثر هستند، از جمله تعریف "واژه‌های مشکل" که در تاریخچه فرهنگ‌نگاری از

نخستین انگیزه‌ها بوده است. امروزه نیز این امر یکی از استفاده‌های متعارف از فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های عمومی است و بعضی واژه‌نامه‌های تخصصی در پاسخ به این نیاز تدوین می‌شوند. عوامل دیگری همچون تلاقی و ادغام فرهنگ‌ها، که بیشتر ناشی از مهاجرت‌ها، جنگ‌ها، سلطه بیگانگان، فعالیت مبلغان مذهبی، و جز آن است؛ و در عصر حاضر گسترش ارتباطات جهانی و تخصصی شدن علوم، ضرورت تدوین فرهنگ‌های دوزبانه، چندزبانه، و تخصصی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. از سوی دیگر پدیده عدم قطعیت زبانیو ناپایداری و بی‌ثباتی خواص معنایی و کاربردی لغات، و این واقعیت که واژه‌های یک زبان همواره دستخوش تحولات زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی، و حتی سیاسی می‌شوند، به‌گونه‌ای که نه تنها معنا، بلکه کاربرد آنها نیز دچار تحول می‌شود، ضرورت‌هایی را برای بازنگری مداوم در فرهنگ‌ها و تدوین فرهنگ‌های جدید به‌منظور حفظ اعتبار در گذر زمان ایجاد می‌کند.

□ اصول و ضوابط مرسوم در فرهنگ‌نگاری.

. فرهنگ‌نویسان در تنظیم ساختار خرد دو دسته ضوابط را مورد توجه قرار می‌دهند:

1. ضوابط عمومی. منظور از آن معیارها و ضوابطی است که معمولاً در فرهنگ‌نویسی زبان‌های مختلف به منظور تهیه واژه‌نامه‌ای استاندارد و انتخاب ساختار مناسب برای ارائه اطلاعات مورد توجه قرار می‌گیرد، این موارد عمدتاً عبارتند از: الف) تعیین فرهنگ از نظر عمومی یا تخصصی بودن، حجم واژگانی که قرار است در فرهنگ گنجانده شود، و دامنه فرهنگ از نظر میزان اطلاعاتی که ذیل هر مدخل می‌آید؛ ب) مدخل‌ها و سرمدخل‌ها از نظر انواع مدخل‌ها، شکل سرمدخل‌ها (چه نوع واحدهای واژگانی و با چه فرمی سرمدخل قرار می‌گیرند)، صورت املائی مدخل‌ها، تلفظ (مثلاً آوانگاری)، و ویژگی‌های دستوری؛ ج) نحوه ارائه معادل‌ها و سازماندهی تعاریف، مانند چگونگی سطح‌بندی معادل‌ها بر اساس تفاوت معنا، چگونگی جدا کردن معادل‌های ناهم‌تراز در یک حوزه معنایی، چگونگی ارائه اطلاعات فرازبانی (مثلاً اطلاعات موقعیتی، سبکی، دایره‌المعارفی)، چگونگی گنجاندن اطلاعات ریشه‌شناسی و دستوری و چگونگی به‌کارگیری کدها و نشانه‌های اختصاری برای نشان دادن انواع مختلف اطلاعات یا ارجاعات؛ د) چگونگی گنجاندن نگرش‌های جامعه و رعایت خط قرمزهای اخلاقی در فرهنگ‌نگاری.

2. ضوابط خاص. منظور مواردی است که به ماهیت ویژه و شیوه تکوین و رشد واژگان و انواع واژه‌های وارداتی و عاریتی یک زبان خاص مربوط می‌شود. به‌عنوان مثال در فرهنگ‌نویسی فارسی لازم است تا حد زیادی به مسائل ناشی از رواج واژه‌های عربی در آن توجه شود، و یا در انگلیسی ورود واژه‌هایی از همه زبان‌ها به آن سبب شده مسائل مربوط به ریشه‌شناسی، املا، و تلفظ واژه‌ها در فرهنگ‌نگاری حائز اهمیت زیادی باشد.

مرحله نهایی فرایند ساخت واژه‌نامه‌ها، تولید و توزیع و بازاریابی و فروش آن است. رقابت موجود بین مؤسسات انتشاراتی و بی‌ثباتی در تقاضای جامعه برای منابع مرجع، منجر به وضعیتی انفجاری در تعداد واژه‌نامه‌ها و سایر منابع مرجع در بازار جهانی شده، به‌گونه‌ای که گاه فقط برتری‌های فنی در تقاضای تجاری راهگشاست

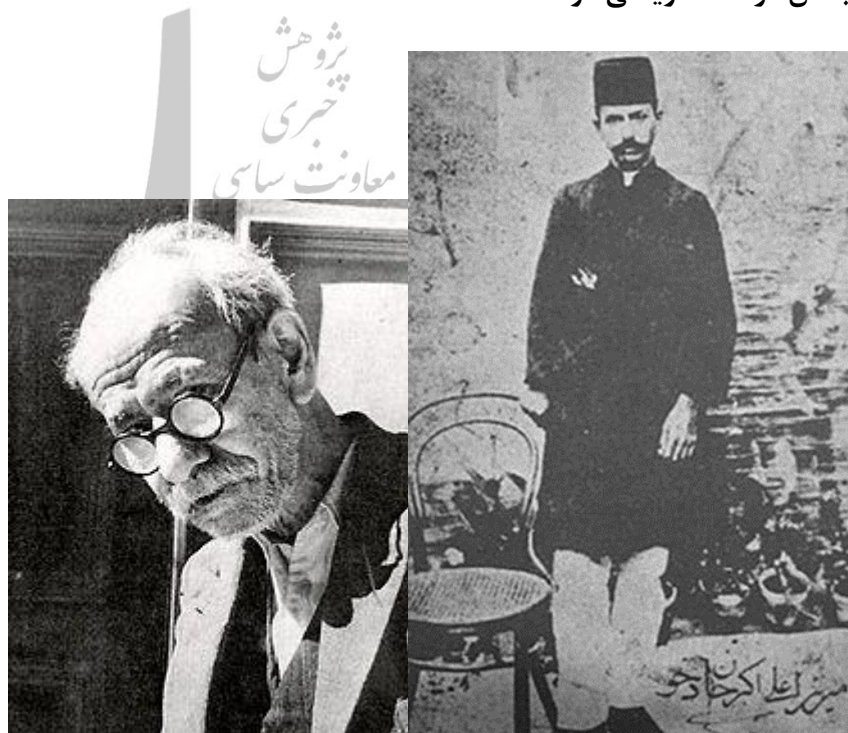
□ پیکره فرهنگ نویسی:

- منابع نوشتاری، از کهن‌ترین نوشته‌ها تا زمان تدوین فرهنگ، شامل کتاب‌ها و رساله‌هایی در موضوعات مختلف ادبی، دینی، تاریخی، اسناد حقوقی، قضایی، پیمان‌نامه‌ها، نامه‌ها، داستان‌ها، سفرنامه‌ها، وبگاه‌ها و جز آنها.

- منابع گفتاری، از جمله استفاده از نوارهای صوتی حاوی گفتگوهای روزمره اهل زبان برای گزینش واحدهای واژگانی و استفاده از شواهد، به‌ویژه برای ثبت تلفظ صحیح واژه‌ها.

- منابع حاصل از پژوهش‌های میدانی، به‌ویژه برای گردآوری اصطلاحات مربوط به حرفه‌ها و پیشه‌ها

بخش فرهنگ نویسی موسسه دهخدا:.



در این مؤسسه برای تدوین هر مدخل ابتدا تمامی اطلاعات موجود دربارهٔ واژه مورد نظر از لغت‌نامهٔ دهخدا استخراج و پس از مراجعه به فرهنگ‌های فارسی و عربی - فارسی، اطلاعات به‌دست‌آمده دسته‌بندی می‌شوند. پس از استخراج اطلاعات، مؤلف یا کمک‌مؤلف تمامی شواهد موجود در پیکره را از رایانه استخراج می‌کند، در فیش‌های یکسان می‌نویسد و با نسخهٔ چاپی کتاب‌ها مقابله و آدرس‌نویسی می‌کند. برای بسیاری از مدخل‌ها از قبل فیش‌هایی نوشته شده است که مؤلف تنها به اضافه کردن شاهد برای معانی کم شاهد با استفاده از فهرست‌ها و نرم‌افزارها اقدام می‌کند. وی پس از مقابلهٔ فیش‌ها، شاهد‌ها را تفکیک معنایی و فیش‌های هر کدام از تفکیک‌های معنایی را به ترتیب تاریخ مرتب می‌کند. پس از این مرحله، تمامی ترکیب‌ها، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌هایی را که واژه مدخل در آن‌ها به کار رفته است، با ارجاع به شمارهٔ تفکیک معنایی به ترتیب قرار می‌دهد. پس از انجام کارهای مقدماتی، هویت دستوری را در اولین فیش سفیدی که حاوی اطلاعات

دستوری و آوایی و ارجاعی مدخل است، می‌نویسد (اگر واژه مدخل، اسم یا صفت باشد، یعنی در تفکیک‌ها بیش از یک هویت دستوری داشته باشد، پیش از تعریف هویت دستوری آورده می‌شود). آوانگاری نیز در اولین فیش سفید، با حرکت‌گذاری حروف فارسی پس از واژه مدخل و میان دو خط مورب ذکر می‌شود. پس از آوانگاری، تعریف در قالب جمله‌ای کوتاه بدون ابهام و جامع و مانع آورده می‌شود. پس از آنکه یک واژه طی مراحل ذکر شده تدوین نهایی شد، در جلسه هیئت مؤلفان تمامی اطلاعات و شاهدهای به‌دست‌آمده و تفکیک‌های معنایی و تعریف‌نگاری‌ها بررسی می‌شوند

□ بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی:

فرهنگ نویسی در این مرکز، خلاف مؤسسه لغت‌نامه دهخدا که بیش از نیمی از روند تألیف در آن به شکل دستی و سنتی است، با نرم‌افزار انجام می‌شود. تفاوت دیگر روش بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان با روش مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در این است که واژگان سپرده‌شده به هریک از مؤلفان لغت‌نامه فارسی به ترتیب الفبا هستند؛ اما بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان هریک از خوشه‌های واژگانی⁽⁵⁾ را به یکی از مؤلفان/ تعریف‌نگاران می‌سپارد. مؤلف پس از جست‌وجو در پیکره رایانه‌ای، در محیط نرم‌افزار به ثبت تفکیک معنایی، تعیین هویت دستوری، آوانگاری با حروف آوانگار لاتین براساس تلفظ امروز و نیز ذکر شاهدهای متناسب با هریک از تفکیک‌ها، ارجاع‌های متقابل، اطلاعات ریشه‌شناختی، بلاغی، ذکر برچسب مدخل و نیز اطلاعات تکمیلی و اضافی می‌پردازد. در فرهنگ جامع برای هر قرن یک شاهد و از سال 1300 به بعد تقریباً برای هر بیست سال یک شاهد آورده می‌شود. در بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی پس از آنکه مؤلف اطلاعات لازم را برای هر مدخل استخراج و تألیف آن را نهایی کرد، مدخل به ویراستاران علمی ارجاع داده می‌شود. پس از بررسی ویراستاران و ویرایش مجدد مؤلف، مدخل نهایی به ویراستار ارشد برای تأیید نهایی ارجاع داده می‌شود. کار پس از تأیید ویراستار ارشد آماده چاپ است. برای تمرین این روش دانشجویان باید به گروه‌های چندنفره تقسیم شوند و هریک از افراد گروه وظیفه تدوین یک خوشه واژگانی را به‌عهده گیرند. از آنجا که در کلاس امکان استفاده از نرم‌افزار فرهنگ‌نویسی فرهنگستان وجود ندارد، دانشجویان می‌توانند صورت نهایی تمرین خود را در محیط word انجام دهند. دانشجوی پس از به‌دست آوردن اطلاعات، جمع‌آوری شواهد و تفکیک معنایی شروع به حروف چینی واژه مدخل، اطلاعات آوایی، بلاغی، ریشه‌شناختی، دستوری، تعریف‌ها، ذکر شواهد و ارجاعات کند. تعریف‌نگار ضمن توجه به ساختار دستوری هریک از واژگان خوشه باید شباهت‌های بین اعضای هر خوشه را نیز در نظر بگیرد. پس از انجام اصلاحات از سوی مؤلف و سپس ویراستاران علمی، واژگان تألیفی به ویراستار ارشد (مدرس) ارجاع داده می‌شود. اگر از نظر ویراستار ارشد اعمال اصلاحات در هر یک از بخش‌های مدخل ضرورت داشت، مؤلف پس از انجام اصلاحات، مدخل را به ویراستار ارشد برای تأیید نهایی تحویل می‌دهد.

□ آثار موسسه دهخدا:

□ گنجینه علی اکبر دهخدا:

این مجموعه کوچک اما کم‌نظیر دربرگیرنده و نشانگر بخشی از فعالیت‌های عظیم علامه دهخدا در زمینه‌های مختلف است. 1. تعداد دو و نیم میلیون فیش با بیش از 90 سال قدمت که بیش از نیمی از آنها به خط خود علامه و باقی به خط یاران دهخدا است و حاصل مطالعه و تحقیق در متون نظم و نثر ادب فارسی در قرون مختلف است، و اساس و پایه تألیف

لغت‌نامه دهخداست. تعدادی از کتابها و نسخ خطی و چاپ سنگی که علامه هنگام یادداشت‌برداری و استخراج مدخلها در حواشی آنها یادداشت‌های مبنی بر تصحیح واژه و عبارت را توضیح داده است و در واقع کتابها را تصحیح کرده است. از جمله این کتابها می‌توان به دیوان فرخی، منوچهری، سوزنی، مسعود سعد، ناصر خسرو و لغت فرس اسدی اشاره کرد، 3. نامه‌ها و اسناد مربوط به علامه که شامل دست‌نویس خود ایشان و دیگران مانند نامه‌های شخصی به افراد خانواده، مجلس شورای ملی آن زمان، شرح حال و وصیت‌نامه علامه به قلم خودشان، و همینطور نامه‌های دیگران به ایشان است.

□ کتابخانه دهخدا:

بنیاد این کتابخانه را مجموعه شخصی مرحوم دهخدا تشکیل می‌دهد. آن مرحوم وصیت فرمود کتاب‌های کتابخانه ایشان مادام که لغت‌نامه تحت طبع است در اختیار سازمان لغت‌نامه قرار گیرد تعداد کتاب‌های انتقالی از کتابخانه مرحوم دهخدا بالغ بر 1030 مجلد و باقی‌اهدایی اشخاص و مؤسسات بوده است. امروزه نیز این شیوه کماکان ادامه دارد و با اهدای مجموعه‌های افراد علاقه‌مند به این مؤسسه بر غنای این کتابخانه افزوده شده است که عمدتاً کتاب‌های ارزشمند و بعضاً چاپ سنگی بوده است. این کتابخانه در زمره کتابخانه‌های تخصصی زبان و ادبیات فارسی است.

□ نتیجه‌گیری:

فرهنگ، به عنوان شناسنامه یک ملت است و هویت فرهنگی، به عنوان سند تاریخی تلاش‌ها و خلاقیت‌ها، افتخارات و در مجموع فراز و فرودهای افتخارآمیز یا عبرت‌آموز گذشته و حال یک ملت محسوب می‌شود. حفظ هویت فرهنگی هر ملتی در تعامل با سایر فرهنگ‌ها، دغدغه وطن‌دوستانی است که از آبشخور آن فرهنگ سیراب شده‌اند و با لالایی آرام‌بخش و جان‌نواز مام میهن در بستر آن فرهنگ رشد و تکامل فکری و معنوی پیدا کرده‌اند. هر ملتی که خواستار توانمندی‌های فرهنگ ملی‌اش است و نمی‌خواهد که در برابر دیگر فرهنگ‌ها دست بسته سر تسلیم فرود آورده و هویت خویش را ببازد، باید بر توانایی‌های خود در همه زمینه‌ها بیفزاید و قدرت آفرینش جامعه را بالا ببرد تا با یاری آن جرأت رودررویی و چالش با پدیده‌های مثبت و منفی ساختار فرهنگی خود را هوشمندانه داشته باشد و با شناختی کنج‌کاوانه از آن بهره گرفته و با گذراندن از صافی‌های لازم، آنها را در جهت غنا بخشیدن به فرهنگ ملی جذب کند درست‌نویسی واژه‌ها و رعایت قوانین دستور زبان در نوشته‌های علمی از عوامل مهم در ارزش و اعتبار این نوشته‌هاست؛ فرقی نمی‌کند که زبان فارسی یا انگلیسی یا زبانی دیگر باشد، خواننده به محض این که با غلط‌املائی و یا نادرستی گرامری مواجه شود در مورد ارزش و اعتبار نوشته دچار شک و تردید می‌شود؛ چنین مواردی حتی در زمانی که موضوع جنبه علمی ندارد و فقط یک نامه معمولی است نیز موجب سلب اعتماد خواننده می‌شود؛ اما در مورد نوشته‌های علمی و به‌ویژه هنگامی که این نوشته‌ها توسط یک نهاد علمی منتشر می‌شود، توقع بسیار افزایش می‌یابد و شیوه نوشتن و رعایت املائی صحیح واژه‌ها اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. هنگامی که متن و نوشته‌ای منتشر می‌شود، چه علمی و چه یک مقاله عادی باشد، باید با املا و نگارش درست نوشته شود. خواننده یک متن علمی که تمام هوش و حواس خود را جمع کرده تا صحت علمی مقاله را درک کند، به محض برخورد با یک غلط‌املائی، نسبت به کل موضوع بی‌اعتماد می‌شود. عدم رعایت قواعد درست‌نویسی و دستور زبان نیز موجب همین حالت شک و تردید می‌شود. به همین دلیل است که صاحب‌نظران امر تحقیق توصیه می‌کنند هر نوشته‌ای قبل از انتشار به‌خوبی مرور شود و در کتاب‌هایی که از همین صاحب‌نظران منتشر شده بر اهمیت شیوه نگارش تأکید بسیار شده است. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که در

نشریات علمی، یکی از نقش‌های بسیار مهم به ویراستاران اختصاص دارد. قواعد و آیین‌نامه‌های نشریات علمی فارسی‌زبان نیز بر نقش ویراستاران تأکید دارد و حضور ویراستار تخصصی و ادبی یکی از شرایط اصلی در نشریات علمی شمرده می‌شود. به غیر از املا، دست‌واژه‌ها، شیوه‌نوشتن فارسی نیز طی چند دهه اخیر دچار تجدیدنظرهایی شده و معیارهایی همچون حفظ استقلال واژه‌ها و استفاده صحیح از فعل‌ها و بسیاری نکات دیگر، مورد تأیید ادیبان و صاحب‌نظران قرار گرفته و توسط نهادهایی همچون فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب شده است و رعایت می‌شود. امروز کمتر جامعه‌ای را می‌توان سراغ داشت که برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه تکیه بر عامل فرهنگی را اساس کار نداند. حال فرهنگ‌نویس در مقابل این تحول معنایی چه راهکاری باید بیندیشد؟ آیا معنای گذشته «ارزان» را هم بیاورد؟! پاسخ روشن است، اگر فرهنگ‌نویس، فرهنگ را برای امروز می‌نویسد باید همان معنای امروزی را برای واژه‌ها تعریف کند اما اگر فرهنگ تاریخی می‌نویسد باید مشخص کند که کدامیک از آن معانی برای امروز به کار می‌رود و کدامیک قدیمی است! اگر این کار انجام نشود و همه معانی درهم نوشته شود نتیجه آن، مانند فرهنگی می‌شود که استاد معین نوشته است. بنابراین اگر قرار باشد ما یک فرهنگ تاریخی بنویسیم، می‌توانیم از فرهنگ تاریخی که فرهنگستان نوشته است به عنوان نمونه استفاده کنیم؛ فرهنگی که حتی در آن ذکر شده در چه قرن‌ها مورد نظر در این معنی به کار می‌رفته است و کاربر سردرگم نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان مانع از تغییر معنایی در زبان شد اما فرهنگ‌نویس باید تصمیم بگیرد که می‌خواهد یک فرهنگ روز بنویسد یا تاریخی! و اگر فرهنگ تاریخی می‌نویسد باید آن معانی را که قدیمی هستند مشخص کند.

